

رمان علمی تخیلی

# گنجینه کیهانی

نوشته:

استیفن هاو کینگ

با همراهی

لوسی هاو کینگ

مترجمین:

امیر حسین فرجاندسب

محمد حسین پورعباس

سید محمد اکبر پور

سبزان

ISBN 978-969-017-015-1

## فهرست نکات و مطالب علمی و آموزشی کتاب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۵	فصل اول
۳۰	فصل دوم
۴۰	فصل سوم
۵۷	فصل چهارم
۷۴	فصل پنجم
۸۶	فصل ششم
۱۰۳	فصل هفتم
۱۱۹	فصل هشتم
۱۳۳	فصل نهم
۱۴۲	فصل دهم
۱۵۸	فصل یازدهم
۱۶۸	فصل دوازدهم
۱۷۵	فصل سیزدهم
۱۸۰	فصل چهاردهم
۱۸۹	فصل پانزدهم
۱۹۵	فصل شانزدهم
۲۰۲	فصل هفدهم
۲۰۷	فصل هجدهم
۲۱۷	سخن آخر



صدایی مکانیکی گفت: «هفت دقیقه و سی ثانیه تا پرتاب، بازوی نگهدارنده مدار گرد جمع شد.»

جرج آب دهانش را قورت داد و خودش را روی صندلی فرماندهی سفینه جابجا کرد. بالاخره زمانش رسیده بود، اکنون دیگر فرصتی برای پیاده شدن از سفینه فضایی نداشت. تنها چند دقیقه دیگر، آن هم دقیقی که بسیار سریع تر از دقایق آخرین کلاسش در مدرسه می گذشتند، او سیاره زمین را ترک می کرد و به سوی کیهان پرواز می کرد.

اکنون که بازوی نگهدارنده مدارگرد که مانند پلی بین سفینه فضایی او و جهان بیرون بود، کنار رفته بود. جرج می دانست که آخرین فرصتش برای بازگشت را از دست داده است. این یکی از آخرین مراحل پیش از پرتاب بود؛ یعنی دریچه های ارتباطی بسته شده بودند. البته در واقع، مهر و موم شده بودند. اکنون، حتی اگر او به دریچه ها می کوبید و ملتمسانه درخواست می کرد که اجازه بدهند که بیرون برود دیگر کسی در آن طرف نبود تا صدایش را بشنود. اینک تنها فضانوردان مانده بودند و فضاییهای قدرتمندشان، در حالی که تنها دقایقی تا پرتاب فرصت داشتند. اکنون هیچ کاری نداشتند جز این که منتظر شوند تا شمارش معکوس به عدد صفر برسد.

«شش دقیقه و پانزده ثانیه تا پرتاب. انجام پیش راه اندازی ای پی یو.»<sup>۱</sup>  
 (ای پی یو، به هدایت فضاپیما در طول پرتاب و فرود کمک می کند.) آن ها نیروی خود را از سه کپسول سوخت تأمین می کنند که ساعت هاست شروع به کار کرده اند، اما با این فرمان صدای وزوز فضاپیما بلند شد. گویی فضاپیما